

298-108

۲۹۸ - ۱۰۸

ORIGINAL DOCUMENTS IN CASECase No. 298Date of filing: 12 Jun 87

** AWARD - Type of Award Interlocutory
 - Date of Award 12-Jun-87
 _____ pages in English 10 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____

- Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____

- Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____

- Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
INTERLOCUTORY AWARD

Case No. 298

Chamber Two

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

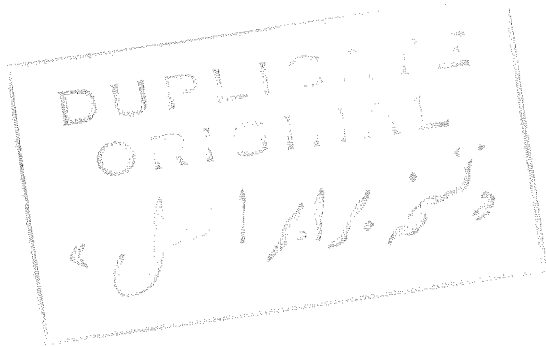
108

۲۳ دسامبر ۸۶ (دوم دیماہ ۶۵)

پرونده شماره ۲۹۸

شعبه دو

قرار اعدادی شماره آی.تی. ال ۶۶-۲۹۸-۲



IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعاوی ایران-ایالات متحده	
ثبت شد - FILED		
Date	12 JAN 1987	تاریخ
	۱۳۶۵ / ۱۰ / ۲۲	
No.	298	شماره

جیمز ام. ساقی، مایکل آر. ساقی، و

آلن ج. ساقی،

خواهانها،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

قرار اعدادی

اول - رسیدگیها

۱ - خواهانها، جیمز ام. ساقی، مایکل آر. ساقی و آلن ج. ساقی در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲ [۲۵ دیماه ۱۳۶۰] دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ("خوانده")، ثبت و کلا مبلغ ۱۷،۳۹۱،۰۰۰ دلار به اضافه بهره و هزینه ها ادعا کردند. ادعا بابت سلب مالکیت ادعائی از صنایع کاغذ نوظهور و شرکت تجاری و پخش محصولات کاغذی نوین در ماه اوت ۱۹۸۰ است که خواهانها حسب ادعا مالک انتفاعی قسمت اعظم حقوق و علائق آن دو شرکت ایرانی می باشند.

۲ - خواهانها (که عبارتند از پدر و دو پسر) ادعا می کنند که همگی منحصرأ تبعة ایالات متحده می باشند. خوانده در لایحه دفاعیه ای که در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۲ [۲۶ مهرماه ۱۳۶۱] به ثبت رسانده، اظهار داشته که طبق قوانین ایران خواهانها همگی تبعة ایرانند و لذا نمی توانند نزد دیوان علیه ایران طرح دعوی کنند.

۳ - دیوان طبق رویه خویش در پرونده های مشابه، در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۴ (۲۵ خردادماه ۱۳۶۳) به طرفین دستور داد کلیه مدارک مستندی را که مایلند دیوان در رابطه با موضوع تابعیت مورد ملاحظه قرار دهد، طبق برنامه زمانی مندرج در آن دستور، تسلیم نمایند. خواهانها مدارک خویش را در ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۴ [۲۳ شهریورماه ۱۳۶۳] تسلیم کردند. مهلت خوانده سه بار، نهایتاً تا ۳۰ نوامبر ۱۹۸۵ [۹ آذرماه ۱۳۶۴] تمدید شد، تا اینکه دیوان طی دستور مورخ ۵ دسامبر ۱۹۸۵ [۱۴ آذرماه ۱۳۶۴] برای آخرین بار به خوانده فرصت داد تا مدارکش را تا تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۸۶ [۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۴] تسلیم کند و اشعار داشت که در غیر اینصورت بر اساس لوایح و مدارک تسلیمی راجع به صلاحیت رای صادر خواهد کرد. دیوان طی دستور مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۸۶ [۲۴ بهمن ماه ۱۳۶۴] درخواست دیگری توسط خوانده را جهت تمدید مجدد

مهلت رد نمود، لیکن خاطرنشان ساخت هر مدرکی را که خواننده پیش از شور راجع به موضوع صلاحیت به ثبت رساند، مورد ملاحظه قرار خواهد داد. خواننده مدرک جدیدی در موضوع تابعیت به ثبت نرساند. لذا، دیوان اینک راجع به این مسأله تصمیم می‌گیرد.

دوم - واقعیات

الف - جیمز ام. ساقی

۴ - آقای جیمز ام. ساقی در تاریخ اول ژانویه ۱۹۲۱ [۱۱ دیماه ۱۲۹۹] از پدری عراقی، در شهر تبریز واقع در ایران متولد شد. نامبرده اظهار می‌دارد که در نتیجه وی از بدو تولد تبعه عراق بوده است. نامبرده در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۴۵ (۲۳ خردادماه ۱۳۲۴) به منظور تکمیل تحصیلات دانشگاهی و کارآموزی در چند شرکت آمریکائی که شرکت متعلق به پدرش نمایندگی آنها را در ایران و عراق به عهده داشت، به ایالات متحده رفت. پس از ورود به ایالات متحده (باویزای مهاجرت) به خدمت در نیروهای مسلح آن کشور فرا خوانده شد. پس از پایان خدمت در نیروهای مسلح، در سال ۱۹۴۷ به تابعیت ایالات متحده درآمد. در سال ۱۹۵۱ در تهران با آنتوانت لاندی، متولد و تبعه آمریکا، ازدواج کرد. وی در ایالات متحده مالک اموال غیرمنقول بوده و خانواده وی در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ مقیم آن کشور بوده است. نامبرده در دهه ۱۹۵۰ و قسمت اعظم دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ساکن ایران بوده و در آنجا کار می‌کرده و دولت ایران چندین بار پروانه اقامت و جواز کار برای وی صادر کرده است. در این جوازا صریحا" به تابعیت امریکائی وی اشاره شده است. نامبرده اظهار می‌دارد که از سال ۱۹۴۷ منحصرأ" با گذرنامه امریکائی مسافرت می‌کرد و

دولت ایران برای وی ویزا صادر می نمود. به عنوان مثال، گذرنامه امریکائی وی در دوره بین ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱ شامل ویزای چهارساله ای جهت ورود مکرر است که در سال ۱۹۷۷ توسط سرکنسولگری ایران در سانفرانسیسکو صادر شده است. طبق اظهار وی، نامبرده در سال ۱۹۷۷ به آخرین دوره اقامت خویش در ایران پایان داد و مجدداً در ایالات متحده سکونت گزید.

ب - مایکل آر. ساقی

۵ - آقای مایکل آرساقی، فرزند جیمز ام. ساقی، در سال ۱۹۵۵ در تهران، ایران متولد شد. تابعیت امریکائی وی به عنوان فرزند دو تبعه ایالات متحده ازبدو تولدمحرز بوده است. [مجموعه قوانین ایالات متحده، عنوان ۸ ماده ۱۴۰۱ (۱۹۷۶)]. United State Code, Title 8, Section 1401 (1976) نامبرده همراه با خانواده خویش، هم در ایالات متحده و هم در ایران زندگی کرده است. در ۲۲ مه ۱۹۷۱ [اول خردادماه ۱۳۵۰]، نامبرده پروانه اقامت در ایران گرفت که در آن تابعیت امریکائی وی تصدیق و به گذرنامه امریکائی وی اشاره شده است. این پروانه اقامت چندین بار تمدید شد تا اینکه در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۷۳ [سوم آذرماه ۱۳۵۲] اعتبار آن منقضی گشت. در ۲۰ مه ۱۹۷۴ [۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳]، وزارت امور خارجه ایران ضمن صدور گواهی به مایکل ساقی اجازه داد که تابعیت امریکائی پدرش را حفظ کند.

ج - آلن ج. ساقی

۶ - آقای آلن ج. ساقی، فرزند جیمز ام. ساقی در ۱۷ آوریل ۱۹۵۷ [۲۸ فروردین ماه ۱۳۳۶] در تهران، ایران متولد شد. تابعیت امریکائی وی به عنوان فرزند دو تبعه

ایالات متحده از بدو تولد محرز بوده است. (بند بالا). نامبرده همراه با خانواده خویش، هم در ایالات متحده و هم در ایران زندگی کرده است. در هفتم ژوئن ۱۹۷۵ [۱۷] خردادماه ۱۳۵۴ دولت ایران اعراض از هرگونه ادعائی نسبت به تابعیت ایرانی را از وی پذیرفت. معهذا وی در ۶ ژانویه ۱۹۷۷ [۱۶ دیماه ۱۳۵۵] از کنسولگری ایران در نیویورک تقاضای رجوع به تابعیت ایرانی کرد. تقاضای وی مورد قبول قرار گرفت و ظاهراً هنگامی که وی در تابستان ۱۹۷۷ در ایران به سر می برد، ظاهراً شناسنامه ایرانی برای وی صادر گردید. معهذا، این مسافرت نیز، مثل سایر سفرهایش به ایران با گذرنامه امریکایی صورت گرفت که از جمله حاوی روادید چهار ساله ورود مکرر بود که سرکنسولگری ایران در سانفرانسیسکو در تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۷ [۱۰ خردادماه ۱۳۵۶] صادر نموده بود.

سوم - دلایل حکم

۷ - دیوان داوری باید در مورد هریک از خواهانها تعیین نماید که آیا شرایط صلاحیتی بیانیه حل و فصل دعاوی در مورد تابعیت خواهانها احراز شده است یا خیر و نیز اینکه در طول مدت ذیربط از ماه اوت ۱۹۸۰، یعنی هنگامی که ادعا به وجود آمد تا تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) یعنی تاریخ بیانیه حل و فصل دعاوی، خواهانها تبعه ایالات متحده بوده اند یا تبعه ایران و یا تبعه هر دو کشور و بالاخره اگر تبعه هر دو کشور بوده اند، تابعیت غالب و موثر آنان کدامست؟

۸ - بر اساس ادله و مدارک تسلیمی، برای دیوان محرز شده است که آقایان جیمز ام. ساقی، مایکل آر. ساقی و آلن ج. ساقی به مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، تبعه ایالات متحده هستند. معهذا، این سؤال باقی است که یکی از خواهانها

یا همه آنها در مدت یاد شده تبعه ایران نیز بوده‌اند یا نه؟

۹ - خواننده در لایحه دفاعیه خود که در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۲ [۲۶ مهرماه ۱۳۶۱] به ثبت رسیده، به این واقعیت اشاره می‌کند که جیمز ساقی متولد ایران بوده، و (خواننده) ادعا می‌کند که نامبرده در سوگندنامه ای که در سال ۱۹۴۵ امضاء نموده، تابعیت ایرانی خویش را تأیید کرده است. دیوان داوری ملاحظه می‌نماید که در این سوگندنامه اشاره شده که نامبرده در ایران متولد شده، لکن در این سند وی تبعه عراق معرفی شده است. خواننده همچنین استدلال می‌کند که چون مایکل ساقی از پدر ایرانی متولد شده، و یا اینکه در ایران از پدر خارجی متولد شده، ولی تا بیش از یکسال پس از سن هیجده سالگی در ایران زندگی می‌کرده، لذا تبعه ایران است. خواننده، همچنین ادعا می‌نماید که آلن ساقی به دلیل اقداماتی که در سال ۱۹۷۷ جهت کسب تابعیت ایرانی بعمل آورد، تبعه ایرانست.

۱۰ - دیوان داوری در رسیدگی به مساله تابعیت جیمز ساقی، لزومی به بررسی شمول قوانین مربوط به تابعیت ایران نمی‌بیند. هیچگونه دلیل و مدرکی حاکی از اینکه جیمز ساقی هیچگاه به اعتبار تولدش مدعی تابعیت ایرانی بوده و یا هیچگاه خود را تبعه ایران معرفی کرده باشد، نزد دیوان وجود ندارد. ادله و مدارک ارائه شده توسط خواهانها حاکیست که دولت ایران بطور مداوم و مکرر در اسناد رسمی مختلف در رابطه با مقررات اقامت بیگانگان در خاک ایران از جمله صدور ویزا، جواز اقامت و کار جیمز ساقی را تبعه ایالات متحده شناخته است. بعلاوه، دولت ایران دلیل و مدرک معارضی ارائه نکرده است. گذشته از این، دولت ایران با قبول و اجابت تقاضاهای مایکل و آلن ساقی برای اجازه حفظ تابعیت امریکائی پدرشان (رجوع شود به پاراگرافهای ۱۱ و ۱۳ زیر)، الزاماً تابعیت امریکائی جیمز ساقی را نیز به رسمیت شناخت. صرف دارا بودن بالقوه شرایط تابعیت، همراه با اسناد رسمی دولت مربوطه که نافی همان تابعیت است، ما را ناگزیر

به این نتیجه گیری می کند که نه دولت و نه شخص مربوطه، هیچکدام تابعیت بالقوه را واجد اثر و اعتبار ندانسته اند.

۱۱ - در مورد مایکل ساقی، دیوان داوری ملاحظه می نماید که به دلالت گواهی صادره وزارت امور خارجه در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ (۲۰ مه ۱۹۷۴) دولت ایران به وی اجازه حفظ تابعیت امریکائی پدر را داده است. هیچ مدرکی به دیوان ارائه یا هیچ استدلالی نزد دیوان اقامه نشده که نامبرده پس از صدور این گواهی اقدام به کسب تابعیت ایرانی کرده باشد.

۱۲ - دیوان متقاعد شده است که جیمز ام. ساقی و مایکل آر. ساقی به مفهوم مندرج در بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، تبعه ایران نیستند.

۱۳ - معذک، در مورد آلن ساقی که او نیز به مقامات ایران تقاضا داد که تابعیت امریکائی پدرش را در مورد وی نیز بپذیرند، پرونده امر حاکی است که نامبرده پس از ۶ ژانویه ۱۹۷۷، بر مبنای ماده ۹۹۰ قانون مدنی ایران که به شرح زیر است، تقاضای تابعیت ایرانی کرد: "از اتباع ایران، کسانی که خود یا پدرشان موافق مقررات تقاضای تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تابعیت اصلی خود رجوع نمایند، به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد..." این درخواست به شرحی که نامه های وزارت امور خارجه ایران دلالت دارد، ظاهراً پذیرفته شد. لذا، دیوان نتیجه می گیرد که آلن ج. ساقی، به مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، در دوره ذیربط تبعه ایران نیز بوده است.

۱۴ - باتوجه به این نتیجه گیری که آلن ج. ساقی تبعه هر دو کشور ایالات متحده و ایران است و بر طبق تصمیم شماره ۳۲-الف-۱۸ دیوان عمومی (۶ آوریل

۱۷/۱۹۸۴ فروردین ماه ۱۳۶۳)، دیوان به تعیین تابعیت غالب و موثر آلن ساقی طی دوره ذیربط مبادرت می‌ورزد. در تعیین تابعیت غالب و موثر نامبرده دیوان کلیه عوامل ذیربط، از جمله محل اقامت عادی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، شرکت در زندگی اجتماعی و سایر دلایل وابستگی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

۱۵ - دیوان داوری، به عنوان اطلاعات مقدماتی در رسیدگیهای خویش ملاحظه می‌نماید که آلن ساقی در طول چند سال اول زندگی و مجدداً در اوایل دهه ۱۹۷۰ در ایران سکونت داشته، لیکن در مه ۱۹۷۵ آخرین دوره اقامت خود را در ایران به پایان رسانیده و مجدداً اقامت خود را در ایالات متحده ادامه داده و در دانشگاه بوستون و سپس در مدرسه بازرگانی منلو به تحصیل پرداخت. در ژوئن ۱۹۷۵ چند ماه پس از اینکه آلن به سن هیجده سالگی رسید، ایران تصدیق کرد که نامبرده از هرگونه ادعای تابعیت ایرانی که ممکن بوده به اعتبار تولدش در ایران داشته باشد، صرفنظر کرده است. معذک چند سال بعد، یعنی در سال ۱۹۷۷ وی تقاضای تابعیت ایرانی کرد و آنرا به دست آورد. گرچه در سال ۱۹۷۷، شناسنامه ایرانی به نام وی صادر شد، بااینحال وی هرگز تقاضای گذرنامه ایرانی نکرد و چنین گذرنامه‌ای نگرفت. از بدو تولد، کلیه سفرهای نامبرده با گذرنامه امریکایی وی صورت گرفته است. در سنجش اهمیت تقاضای تابعیت ایرانی وی، دیوان متذکر می‌شود که این تقاضا قبل از تکمیل تحصیلات وی، پیش از انقلاب و پیش از مصادره ادعائی اموال وی در ایران به عمل آمد.

۱۶ - آلن ساقی از اوت ۱۹۸۰ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) در فاستر سیتی واقع در کالیفرنیا ساکن بوده است. نامبرده در مدرسه بازرگانی منلو در منلو پارک، در کالیفرنیا به تحصیل پرداخت. والدین و برادر و خواهرانش، همگی به عنوان

اتباع ایالات متحده، ساکن ایالات متحده بودند. نامبرده به ایران سفر نکرد. وی مدعی است که طی این مدت علایق مالکانه‌اش در ایران مصادره گردید، و لذا تنها پیوند موجودش با ایران قطع شد.

۱۷ - با توجه به اوضاع و احوال مذکور، دیوان بر این نظر است که در طول مدت ذیربط، تابعیت غالب و موثر آلن ج. ساقی، تابعیت ایالات متحده بوده است.

چهارم - قرار اعدادی

۱۸ - به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر رای صادر می کند:

(الف) خواهانها، جیمز ام. ساقی، مایکل آر. ساقی و آلن ج. ساقی تبعه ایالات متحده، به مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می باشند.

(ب) به کلیه موضوعات صلاحیتی دیگر این پرونده، طی حکم بعدی همراه با اصل دعوی رسیدگی خواهد شد.

لاہءء بتاریخ ۱۲... ژانویہ ۱۹۸۷ برابر با ۲۲... دیماہ ۱۳۶۵

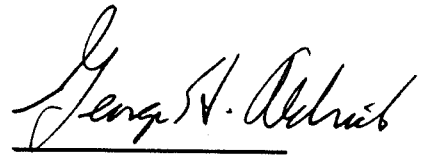


روبرت آر. برینر

رئیس شعبہ

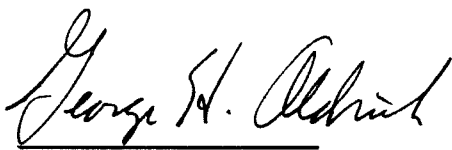
بنام خدا

حمید بہرامی احمدی

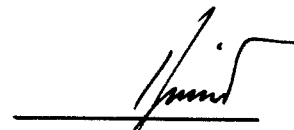


جرج آ.ج. آلدریچ

آقای بہرامی احمدی در شور مربوط بہ این پروندہ شرکت نکرد و اظہار داشت کہ بہ نظر وی این قبیل پروندہہا نباید پذیرفتہ شوند و از امضای این قرار خودداری ورزید.



جرج آ.ج. آلدریچ



روبرت آر. برینر

رئیس شعبہ